

نرمش با مردم، یک هدیه الهی است

احمدعبداللتیان اخداوند متعال در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران به ویژگی های اخلاقی پیامبر(ص) اشاره می کند و می فرماید: «فَمَا رَظْمَهُ مِنَ اللَّهِ لَيْتَ لَهُمْ وَنُؤُتُهُمْ فُلًا غَلِيفًا لِّالْقَلْبِ لَا تَفْضُوا مِنْ خَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» [ای رسول ما] به خاطر رحمتی از جانب خدا[که شامل حال تو شده] با مردم مهربان شده ای و اگر خشن و سنگدل بودی، از دور تو پراکنده می شدند، پس از آن ها درگذر و برای آن ها طلب آمرزش کن و در امور با آن ها مشورت کن، پس هنگامی که تصمیم گرفتی، بر خداوند توکل کن، به راستی که خداوند، توکل کنندگان را دوست می دارد.»

این آیه درباره جنگ احد و مسلمانی است که اطراف پیامبر(ص) را گرفته بودند و عذرخواهی می کردند. خداوند درباره اهمیت اخلاق خوش ایشان، این آیه را فرستاده است و به این نکته اشاره می کند که اگر پیامبر(ص) خوش اخلاق نبود، نمی توانست مردم را جذب کند و مردم دور او جمع نمی شدند. آیه بالا گذشت کردن از کوتاهی دیگران را، از خوش اخلاقی شخص می داند و از پیامبر(ص) می خواهد که برای امتش، طلب بخشش و آمرزش کند، بنابراین نرمش با مردم، یک هدیه الهی است و افراد خشن و سختهگیر نمی توانند مردم داری کنند. نکته مهم اینکه نظام حکومتی اسلام بر مبنای محبت و ارتباط تنگاتنگ با مردم، بناگذاشته شده است و رهبری و مدیریت صحیح، با عفو و عطوفت همراه است، پس باید خطا کاران پشیمان و گنهکاران شرمنده را پذیرفت و جذب کرد تا کامل بودن و جامعیت اسلام نشان داده شود.

مشاوره

از کجا دوباره شروع کنیم؟

علیرضا وکیلی! گاهی سخت ترین بخش یک تصمیم، شروع کردن نیست؛ دوباره شروع کردن است. کسی که برای ورزش چندبار برنامه ریخته و رها کرده، کسی که بارها خواسته نماز اول وقتش را جدی بگیرد، کسی که تصمیم گرفته است یک عادت بد را کنار بگذارد یا رابطه ای را اصلاح کند و هر بار دوباره به نقطه اول برگشته است، کم کم به خودش می گوید: «من اصلا آدم ادامه دادن نیستم!» اینجاست که شکست قبلی، از یک «اتفاق» تبدیل می شود به یک «باور»، و همین باور، شکست بعدی را آسان تر می کند. اما قرآن مجید یک در بسیار مهم را باز می گذارد: «لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ» از رحمت خدا مأیوس نشوید. (زمر، ۵۳) دقت کنیم که خداوند نمی گوید چون خطا نکرده اید، امیدوار باشید، اتفاقا این آیه خطاب به کسانی است که زیاد خطا کرده اند. یعنی حتی گذشته سنگین هم نباید انسان را از امکان بازگشت، محروم کند. در منطق قرآن، انسان با یک لغزش تمام نمی شود. خداوند می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّوْبِينَ» خداوند توبه کنندگان را دوست دارد. (بقره، ۲۲۲) «توب» کسی نیست که فقط یک بار برگردد، تعبیر آیه، معنای بازگشت مکرر دارد، یعنی اگر زمین خوردی، دوباره بلند شو، اگر دوباره افتادی، بازهم راه بازگشت بسته نیست. در روایتی از امام باقر(ع) آمده است: «التائب من الذنب کمن لا ذنب له» کسی که از گناه توبه کند، مانند کسی است که گناهی نکرده است.» این نگاه با یک خطای رایج ما فرق دارد. ما گاهی بعد از چند شکست، به جای اصلاح روش، درباره شخصیت خودمان حکم صادر می کنیم: «من آدم بی اراده ای هستم.» درحالی که شکست در یک رفتار، مساوی با شکست شخصیت انسان نیست.

حالا چکار کنیم؟

اول، شکست را تحلیل کنیم، نه اینکه خودمان را محکوم کنیم. به جای اینکه بگوییم «بازهم نشده»، بپرسیم: «دقیقا کجا شکست خوردم؟»، «زمان، نامناسب بود؟»، «هدف بیش از حد بزرگ بود؟»، «محیط مرا به عادت قبلی برگرداند؟» یا «انتظار داشتم یک شبه تغییر کنم؟»

دوم، شروع بعدی را کوچک تر کنیم. اگر چندبار تصمیم گرفته ای هر روز یک ساعت ورزش کنی و دوام نیاورده ای، شاید شروع درست، روزی «۱۰ دقیقه» باشد. اگر نماز اول وقت برایت سخت شده، به جای وعده های بزرگ، از تثبیت یک نماز در اول وقت شروع کن. استمرار، با حرکت های کوچک اما تکرار شونده ساخته می شود.

سوم، از خدا کمک بخواهیم، نه اینکه فقط به اراده خودمان تکیه کنیم. امام علی(ع) در دعای کمیل می فرماید: «وَأَخِمْ شَفْعَ بَنِي» خدایا! ناتوانی ام را مشمول رحمت قرار بده.» این ادبیات بنده ای است که ضعف خودش را می شناسد، اما به خاطر این ضعف دست از تلاش نمی کشد.

مهم ترین نکته همین است که قرار نیست ثابت کنیم دیگر هیچ وقت شکست نمی خوریم، قرار است یاد بگیریم بعد از شکست، سریع تر به مسیر برگردیم. یک لغزش وقتی خطرناک می شود که آن را نشانه «من همیشه همین طورم» بدانیم، اما اگر آن را یک اتفاق تحلیل پذیر ببینیم، می توانیم از آن برای اصلاح مسیر استفاده کنیم، پس اگر چندبار شکست خورده ای، از همان جایی شروع کن که آخرین بار رها کردی، اما این بار با تجربه شکست های قبلی.

آداب زیارت

زیارت امام معصوم؛ سبب ایمنی جامعه

وکیلی! گاهی یک روایت، انسان را از یک حادثه تاریخی عبور می دهد و به صحنه ای می برد که کویی خود او نیز در آن حضور دارد. این خاطره از مرحوم میرزاهمدی آشتیانی، در روزهایی روایت شده است که ایران، گرفتار فتنه و آشوب بود و نگرانی از سرنوشت مردم و کشور، ذهن بسیاری از افراد را به خود مشغول کرده بود اما آنچه در این روایت رخ می دهد، مسیری متفاوت برای پاسخ به این نگرانی ترسیم می کند؛ مسیری که از عرفات آغاز می شود و به یکی از روشن ترین پیوندهای معنوی مردم ایران با اهل بیت(ع) می رسد. مرحوم میرزاهمدی آشتیانی نقل می کند که در جریان انقلاب دموکرات آذربایجان و فتنه پیشه وری، عازم مشهد بودم. در نزدیکی سبزوار حالم دگرگون شد، به گونه ای که همه اهل اتوبوس، مضطرب و پریشان شدند. در همان حال، خود را در عرفات دیدم. نورهای فراوانی را مشاهده کردم که از آسمان به سوی زمین فرود می آمد و مردم عرفات را دیدم که به یک سو می روند. پرسیدم: کجا می روید؟ گفتند: حضرت رسول اکرم(ص) تشریف آورده اند و اهل عرفات به خدمت آن حضرت می روند. من نیز همراه آن ها رفتم. اندکی بعد، چشمم به چهارده خیمه افتاد، خیمه هایی مجلل، با عظمت و نورانی. در میان آن ها، خیمه ای از همه بزرگ تر بود و توجه مردم به آن جلب می شد. گفتند: پیغمبر مکرّم خدا در این خیمه است. نزدیک شدم، آذن گرفتم و وارد خیمه شدم. سلام کردم و خواستم حاجت های خود را با رسول خدا(ص) در میان بگذارم اما هنوز فرصت بیان خواسته ها را نیافته بودم که پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «برو در خیمه هشتمین، نزد فرزندم حضرت علی بن موسی الرضا(ع)!»

بی درنگ به سوی خیمه امام هشتم(ع) رفتم. حضرت علی بن موسی الرضا(ع) را دیدم که نشسته اند. سلام کردم و حاجت های خود را مطرح کردم. سه حاجت داشتم: یکی شفا ی بیماری یرقان، دیگری نجات ایران و مسلمانان از شر گروه ها و حزب ها و آخری، حاجتی شخصی. حضرت امام رضا(ع) درباره بیماری فرمودند: «تقدیر چنین است که این کسالت تا پایان عمر با تو باشد.» اما درباره ایران و نجات از فتنه ها، پاسخی فرمودند که در تمام این روایت، همچون نقطه اوج می درخشد. ایشان دادند: «مادام که ایرانی ها متوجه به زیارت قبور ما و مجالس ذکر و روضه برای مصائب ما هستند، ایمن از شر اشرارند و عن قریب حزب های توده و دموکرات از بین خواهند رفت.» در این روایت، پناه ایران در روزهای فتنه، در پیوند مردم با اهل بیت(ع) معرفی می شود؛ پیوندی که در زیارت، ذکر و روضه زنده می ماند.



برش هایی خواندنی از سیره نورانی رضوی در گفت وگو با حجت الاسلام والمسلمین پاک نیا

«تواضع»؛ درس مهم و راهبردی مکتب امام رضا(ع)

آمنه مستقیمی از جلوه های جذاب و الهام بخش سیره نورانی حضرت ثامن الحجج(ع)، داشتن ابعاد مختلف اخلاقی، رفتاری و فکری است که سبب می شود انسان در مواجهه با این سبک از زندگی برای بسیاری از سوالات خود، هم پاسخ بیابد و هم برای طی مسیر سعادت، به راه های مختلف دسترسی داشته باشد. ازجمله این جلوه ها، تواضع و فروتنی بی مثال امام رتوف(ع) است که اگر به نسخه عملی در زندگی ما تبدیل شود، گره خیلی از مشکلاتمان باز خواهد شد. درباره این فراز از سیره رضوی با حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم عبدالکبیر(ع) و صاحب آثاری همچون «ویژگی های امام رضا(ع)»، گفت وگو کرده ایم.

گفت وگو



مدیر جامعه اسلامی، اهل تواضع است

بنابر آنچه از آموزه های دینی به ویژه سیره امام رضا(ع) به دست می آید، کارگزاران به ویژه مسئولان و مدیران باید اهل تواضع و فروتنی با زیردستان باشند، چنان که وقتی سلمان فارسی به فرمانداری مدائن منصوب شد، با مردم در تعامل و تماس مستقیم بود و در پاسخ به برخی سوالات که چرا خود را نمی گیرد و اهل تواضع است، می گفت: «پیامبر(ص) به قدری متواضع و با مردم فروتن بودند که اگر غریبه ای وارد مسجد می شد، نمی توانست تشخیص دهد کدام یک از حاضران، رسول خدا(ص) است.» (به قدری با تواضع و فروتنی و به دور از هر گونه تکبر در میان مردم می نشستند.)

با زیردستان، متفاوت رفتار نکنیم

مسئولان و مدیران باید بدانند که عمر مدیریت و مسئولیت ها کوتاه است و آنچه در ذهن ها باقی می ماند، رفتار و اخلاق نیکوست؛ امام رضا(ع) از نشانه های تواضع را دادن پاسخ بدی با خوبی دانسته اند، لذا مطلوب است اگر کارمند یا ارباب رجوعی رفتار مناسبی نداشت، مدیر و مسئول، برآشفته و خشمگین نشوند، بلکه با استفاده از فضای مدیریت خود، کارها را بسامان کنند. انتظار است کارگزاران نظام اسلامی سیره حضرات معصوم(ع) به ویژه امام رضا(ع) در مورد تواضع را در رفتار خود بروز دهند، چنان که در سیره شهید مطهری آمده است که غذای خود را با راننده وزیردستان یکی می کرد. اما امروز گاه دیده و شنیده می شود برخی مدیرانی که بین خود و زیردستان و کارگران و کارمندان در حقوق و امتیازات و حتی جای پارک خود رفاوت قائل هستند! اگر امتیازات ساختگی برطرف شود و مدیران روحیه تواضع را در خود تقویت کنند، هم خدا و هم مردم، آن ها را دوست خواهند داشت.



حجت الاسلام والمسلمین پاک نیا:
تواضع، آثار و برکات فراوان دارد. کینه ها را برطرف و قلب ها را جذب و به یکدیگر متماثل می کند. افراد متواضع در موقعیتی قرار می گیرند که دیگران، آن ها را دوست و محترم می دارند

هم سفره می شد

امام رضا(ع) با اینکه در جایگاه عصمت و امامت بودند و به اجبار مأمون عباسی در جایگاه ولایت عهدی قرار گرفتند، هرگز با زیردستان تکبر و فخر فروشی نکردند، بلکه در کمال تواضع با آن ها رفتار می کردند. محدثان ازجمله شیخ کلینی(ع) در کتاب «کافی»، از شخصی از اهالی بلخ نقل کرده است که وی به محضر امام رضا(ع) رسید و دید هنگام غذا سفره باز کردند و امام(ع) فرمودند: «همه کنیزان و غلامان سیاه پوست و زیردستان دور سفره جمع شوند»، و به همه آن ها غذا و طعام خوراندند. آن مرد بلخی متعجب شد و عرض کرد: «شما ولیعهد هستید، کاش سفره ای جداگانه می داشتید و بزرگان یک سو و زیردستان در سوی دیگر می نشستند.» امام رضا(ع) از این حرف خوششان نیامد و فرمودند: «خدا و پدر و مادر ما یکی است و ملاک برتری در دین ما تقواست.» یعنی مقام و پول و ثبست و قدرت در این برتری نقش ندارد.

خدا متکبر را زمین می زند

تواضع، آثار و برکات فراوان دارد. کینه ها را برطرف و قلب ها را جذب و به یکدیگر متماثل می کند. افراد متواضع در موقعیتی قرار می گیرند که دیگران، آن ها را دوست و محترم می دارند. از دیگر آثار تواضع، حفظ کرامت انسانی و افزایش اعتماد میان فردی و تقویت سرمایه های اجتماعی است، همان چیزی که امروز جامعه ما بیش از هر زمان به آن نیاز دارد. پیامبر اکرم(ص) درباره آثار خوب تواضع برای زندگی انسان می فرمایند: «هر که تواضع کند، خدا او را بزرگ می کند و هر که تکبر کند، خدا او را به زمین می زند.»

تکبر، شیطان را رنجیم کرد

همان قدر که تواضع و فروتنی آثار مثبت و برکات فراوان دارد، درمقابل، فخر فروشی و تکبر، به فرد، خانواده و جامعه ضربه می زند. در قرآن کریم آثار تکبر و فخر فروشی تصریح شده است؛ مثل آن که خدا فخر فروشان و متکبران را دوست ندارد. مردم هم از افراد خود پسند و متکبر خوششان نمی آید و از چنین افرادی دور می شوند و مهم تر آن که متکبران به عاقبت و سرانجام بدی مبتلا می شوند، چنان که شیطان بعد از ۶ هزار سال عبادت، به دلیل تکبر و گردن کشی، از درگاه الهی، رانده و به «رجیم» مشهور شد.

رنجش و ناراحتی و سرشکستگی و خجالت و خمودگی مخاطب شود.

پیامبر اکرم(ص) به همه مسلمانان چنین هشدار داده اند: «لَا تَقْنَطُوا أَهْدَابَ الْمُفْسِلِیْنِ. فَإِنَّ ضِعْفَیْهِمْ عِنْدَ اللَّهِ کَیْفَ: هرگز هیچ یک از مسلمانان را خوار و حقیر نشمار و تحقیر نکن؛ زیرا کوچک آن ها هم در نزد خداوند، بزرگ است.» (تنبيه الغواطر و نزهة النواظر معروف به مجموعه ورام، تألیف ورام بن ابی فراس حلی، قرن ششم، ج ۱، ص ۳۱)

این حدیث نبوی با «لَا تَقْنَطُوا» آغاز شده است. این کلمه، فعل نهی با نون تأکید ثقیله و مناسب زمان آینده است. فایده و هدف از الحاق نون تأکید به فعل، اظهار عزم و اراده متکلم بر انجام کار است. در این جمله، پیامبر خدا(ص) با تأکید و بسیار جدی از حقیر و خوار شمردن و کوچک دانستن مسلمانان نهی کرده اند. بنابراین تحقیر مسلمانان، حرام و بسیار زشت است. تحقیر، خدشه دار کردن شخصیت انسان هاست و می تواند سبب

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدجعفر جعفری
عفو هیت علی باشگاه قزوقی مشهد

درباره شما رفتار متقابل تحقیرآمیز و شاید بسیار بدتر از آن را انجام دهد. این نکته را به خاطر بسپارید که تحقیر دیگران، نوعی تحقیر خود محسوب می شود، پس مراقب باشید با این کار، چارچوب شخصیت خود و سایرین را شکندید. فراموش نکنید که همه انسان ها ویژگی های مخصوص به خود دارند و شایسته ستایش اند. به جای کشف عیب ها و جنبه های منفی دیگران و خوار کردن آن ها، به جنبه های مثبت و سازنده آن ها، توجه و رابطه مناسب و صحیح با اشخاص برقرار کنید. در ادامه این حدیث، پیامبر خدا(ص) یک دلیل حرام بودن تحقیر و

منوعه آن را ذکر کرده اند. جمله: فَإِنَّ ضِعْفَیْهِمْ عِنْدَ اللَّهِ کَیْفَ: زشت بودن تحقیر را یاد می دهد. خداوند همه انسان ها را گرامی داشته است. آدمی

که در نزد شما کوچک است، در نزد خداوند مهربان بزرگ است. همه مسلمانان محترم اند و تحقیر آن ها روا نیست. تحقیر انواعی دارد، تحقیر قلبی و زبان و عملی که هر سه زشت است و مصداق های فراوانی دارند که باید از همه آن ها پرهیز کرد. هیچ مسلمانی را نباید تحقیر کرد؛ چون بنده خداست و بنده خدا احترام دارد و سزاوار تکریم است.

رواج تحقیر در جامعه، زیان های فراوانی دارد و امنیت و آسایش روحی و روانی افراد را به هم می ریزد. مسلمانی که تحقیر می شود، استعداد هایش شکوفا نمی شود و رشد او متوقف می شود. تحقیر قلبی که انسان در فکر و نظرش، دیگری را کوچک و خوار ببیند، در نگاه و رفتارش نسبت به او اثر می گذارد. انسانی که تحقیر شده است، پویایی و کارآمدی ندارد و به خودکم بینی و افسردگی گرفتار می شود. باید کسانی را که به تحقیر کردن دیگران روی آورده و به آن عادت کرده اند، بهی از متکرر کرد. پیامبر خدا(ص) از گفتار و رفتار تحقیرآمیز مسلمانان نهی کرده اند.

هرگز کسی را تحقیر مکن!



حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدجعفر جعفری
عفو هیت علی باشگاه قزوقی مشهد